

تیتراژهای امروز

رضایی: مسائل اقتصادی در برجام مورد توجه قرار نگرفته است

نقض مکرر برجام

آمریکا تاکنون ۲ بار برجام را نقض کرده است و از کمیته نظارت گلمندم که چرا اقدام نمی‌کند



صفحه ۲

رئیس اتاق بازرگانی ایران عنوان کرد

پسابرجام بی‌توفیق در اقتصاد

صفحه ۱۶

اطلاعیه مهم سفارت ایران در آنکارا

هموطنان در اسرع وقت به وطن بازگردند

صفحه ۲

اشغال ساختمان پلیس ابروان توسط مخالفان

ارمنستان گروگانگیری یا کودتا؟

صفحه ۱۵

واکنش حسن روحانی به شعارهای اعتراضی مردم کرمانشاه نسبت به وضعیت اقتصادی:

گوش نمی‌کنید به حرف من!

اعتراض به شعر و شعار

صفحه ۲



کسین، President.ir

کاتولیک‌تر از پاپ، در اعتقاد به رئالیسم در روابط بین‌الملل

امیر استکی

دست بسیار زیرتر نظامی نسبت به طرف‌های غربی بویژه آمریکا است. حتی با شدتی بیشتر از تصور خود آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها و از همین‌جاست که ما از اصطلاح کلیبی مسسلکی افراطی استفاده می‌کنیم؛ اصطلاحاً «کاتولیک‌تر از پاپ» در عرصه اعتقاد به رئالیسم در روابط بین‌الملل». خود حسن روحانی نیز براساس اظهاراتش که «آب خوردن ملت را هم منوط به توافق هسته‌ای» می‌دانست، دارای چنین نگاهی است. بر این اساس سرعت در رسیدن به توافق تاریخی موسوم به برجام هیچ جای تعجبی ندارد. برجام توافقی است که تنها گزینه‌های به درد بخور ایران در آن گزینه‌های ژئوپلیتیک و منطقه‌ای ایران است. براساس همین گزینه‌هاست که دستاورد حاصل چیزی جز آنی که به دست آمد خواهد بود؟ به عبارت دیگر با داشتن چنین رویکردی هیچ فرق نمی‌کند که چه کسی مذاکره کند، هر کس به این کارزار می‌رفت همین را به ارمان می‌آورد.

بزرگ‌ترین دستاورد روحانی همین تغییر قواعد کلی در نگاه نخبگان سیاسی مذاکره‌کننده بود. به عبارت بهتر، روی کار آمدن روحانی نوعی عقبگرد از سیستم ارزش‌محور استکبارستیز بود که نه روحیه انقلابی دارد و نه نتایج کارآمد خواهد داشت. همه اتفاق‌ها در اصل با تغییر مساله از یک «چالش جدی» به یک «بحران شدید» غیر قابل کنترل افتاد و روحانی به عنوان نماینده چنین تفکری ملامت نجات کلیت مملکت به هر قیمتی شد. در اینجاست که اگرچه بسیاری که به قوت روحانی و تيمش به فراروايت‌های رئالیسم و نظام سلطه باور ندارند، منتقد برجام می‌شوند اما خود روحانی این را بهترین دستاوردی می‌داند که می‌شد کسب کرد.

بسیاری حس می‌کنند برجام کلاه گشادی است که بر سر ایرانیان رفته اما روحانی و طرز تفکر حاکم بر او ابد این را کلاهی که بر سرشان رفته نمی‌داند بلکه بهترین و شیرین‌ترین دستاورد برای ملتی با سهمی کمتر از یک درصد از اقتصاد جهان و تحت فشار تحریم‌ها می‌داند. دستاوردی که به‌زعم آنها بحران شدید را تعدیل کرد. قضاوت اینکه این گزاره‌های کلی راهنمای عمل این جماعت تا چه حد درست است به رویکرد فکری خوانندگان بازمی‌گردد اما در نگاه ما نوعی خودکامی بی‌محابه کارانه است.

به آن در مذاکرات بین‌المللی به حساب نمی‌آمد. در این رویکرد پراحتی می‌توان از منافع ارتباط با یک اقتصاد در حجمی چنین اندک گذشت و با برقرار کردن رژیم گسترده‌ای از تحریم‌ها طرف مقابل را قاعدتا به دنبال ارتباط داخواه در جامعه جهانی دواند. در رابطه با توان نظامی اگرچه وضعیت برای ایران مشابه اوضاع اقتصاد آن قلمداد نمی‌شد اما با توجه به وابستگی شدید توان نظامی به قدرت تامین مخارج آن، طرف غربی با اتکا به نظام تحریمی خود و با داشتن این تحلیل که در شرایط کمبود منابع، ایران به سمت هزینه‌کرد منابع خود در عرصه‌های نظامی نخواهد رفت- که این اتفاق اخیرا از سوی دولت افتاد- خیال خود را از بابت توان بالقوه نظامی ایران آسوده می‌دید. در نگاه غربی‌ها موقعیت استراتژیک بی‌فایده داشته، ناشی از فقدان تفاهم بر سر قواعد کلی بود. مذاکرات در آن دوره نوعی مونولوگ دوطرفه قلمداد می‌شد، اما چرا توافقی بر سر مفاهیم کلی وجود نداشت و چگونه پس از روی کار آمدن حسن روحانی چنین توافقی بر سر چارچوب‌های تعیین‌کننده به‌وجود آمد؟ آیا تیم روحانی موفق به شکل دادن مفاهیم جدید در تعامل با طرف مقابل شد یا اینکه طرف غربی چارچوب مفهومی ایران را پذیرفت و یا اینکه برعکس، ایران چارچوب مفهومی طرف‌های غربی را پذیرا شد یا غربی‌ها چارچوب مفهومی خود را تحمیل کردند؟ هرگونه صحبت و اظهارنظر در این رابطه اول نیاز به مشخص کردن این مهم دارد و تمام تفاوت دیدگاه‌ها در رابطه با برجام و دستاوردهایش که طیفی از تلقی آن به عنوان «خاک سیاه بر سر ملت» تا «آفتاب گرمابخش و روزی‌گستر و مایه نجات مملکت و ملت» را در برمی‌گیرد، ناشی از نگاه به مساله از نظر نگاه‌های بسیار متفاوت است. مساله ما در این یادداشت ۲ چیز است؛ اول اینکه چه چارچوب مفهومی به شکل کلی بر این مذاکرات حاکم بود و دوم اینکه چه اتفاقی پس از تغییر تیم‌های مذاکره‌کننده با روی کار آمدن روحانی افتاد.

در باب مساله اول نگاه غربی‌ها به مساله براساس چارچوب‌های کلی بود که به «رئالیسم» در روابط بین‌الملل معروف است. دکتر محمدجواد ظریف در ابتدای کار دولت روحانی اظهارنظری بسیار کلیدی انجام داد آنجا که بیان کرد «پالات متحده توانایی آن را دارد که در چند ساعت با چند بمب، تمام زیرساخت‌های اساسی اقتصادی و نظامی ما را از بین ببرد». این ناشی از اعتقاد راسخ به داشتن

وارد شدن به هر معامله و مذاکره‌ای نیازمند توافق بر سر چارچوب‌های تعیین‌کننده است؛ به نوعی توافق بر سر قواعد کلی و معانی مفاهیم! وارد شدن به هر نوع مذاکره و معامله بدون داشتن قواعد پذیرفته‌شده تعیین‌کننده از سوی هر دو وجه مذاکره، کاری عبث و بی‌فایده است. در جریان مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای صاحب قدرت جهان و بویژه ایالات متحده آمریکا این مساله در ۲ رویکرد حاکم بر این مذاکرات به روشنی قابل لمس است. اینکه مذاکرات از دید طرف‌های غربی در دوران پیش از حسن روحانی روندی کند و بی‌فایده داشته، ناشی از فقدان تفاهم بر سر قواعد کلی بود. مذاکرات در آن دوره نوعی مونولوگ دوطرفه قلمداد می‌شد، اما چرا توافقی بر سر مفاهیم کلی وجود نداشت و چگونه پس از روی کار آمدن حسن روحانی چنین توافقی بر سر چارچوب‌های تعیین‌کننده به‌وجود آمد؟ آیا تیم روحانی موفق به شکل دادن مفاهیم جدید در تعامل با طرف مقابل شد یا اینکه طرف غربی چارچوب مفهومی ایران را پذیرفت و یا اینکه برعکس، ایران چارچوب مفهومی طرف‌های غربی را پذیرا شد یا غربی‌ها چارچوب مفهومی خود را تحمیل کردند؟ هرگونه صحبت و اظهارنظر در این رابطه اول نیاز به مشخص کردن این مهم دارد و تمام تفاوت دیدگاه‌ها در رابطه با برجام و دستاوردهایش که طیفی از تلقی آن به عنوان «خاک سیاه بر سر ملت» تا «آفتاب گرمابخش و روزی‌گستر و مایه نجات مملکت و ملت» را در برمی‌گیرد، ناشی از نگاه به مساله از نظر نگاه‌های بسیار متفاوت است. مساله ما در این یادداشت ۲ چیز است؛ اول اینکه چه چارچوب مفهومی به شکل کلی بر این مذاکرات حاکم بود و دوم اینکه چه اتفاقی پس از تغییر تیم‌های مذاکره‌کننده با روی کار آمدن روحانی افتاد.

در باب مساله اول نگاه غربی‌ها به مساله براساس چارچوب‌های کلی بود که به «رئالیسم» در روابط بین‌الملل معروف است. دکتر محمدجواد ظریف در ابتدای کار دولت روحانی اظهارنظری بسیار کلیدی انجام داد آنجا که بیان کرد «پالات متحده توانایی آن را دارد که در چند ساعت با چند بمب، تمام زیرساخت‌های اساسی اقتصادی و نظامی ما را از بین ببرد». این ناشی از اعتقاد راسخ به داشتن

دست مریزاد به صداقت نعمت‌زاده!

محمدحسین نظری

تحت تاثیر این نگاه گفتمانی هیچ ابایی از دریافت‌های چند ده میلیونی ندارند و با ابزارهای مختلف سعی دارند این مساله را موجه و مشروع جلوه دهند، گاهی با توجیه قانونی بودن این حقوق‌ها و گاهی هم با مقایسه خود با مدیران جهانی. تغییر، عزل و تنبیه این دست از مدیران یک بخش مهم اما سطحی و رویه‌ای از ماجراست. اصل ماجرا تغییر و اصلاح این نگاه مذموم در سطح مسؤولان دولتی است. برچیده شدن بساط این دست‌اندازی‌ها به بیت‌المال در گرو تغییر گفتمان دولتی‌هاست که نه‌تنها خود مرفهانه زندگی می‌کنند، بلکه زندگی تجمل‌گرایانه را ترویج می‌کنند و هیچ ابایی از بازگو کردن دیدگاه‌های‌شان ندارند. در صورتی که در آموزه‌های دینی و متن اسلام مقدس این نوع نگاه بشدت تقبیح شده و نمونه‌های برخورد معصومین با این نوع نگاه در تاریخ موجود است. سیره بزرگان انقلاب را هم که بنگریم این نوع نگاه در زندگی آنها مرسوم نبوده است و بزرگان همچون حضرت امام(ره) همواره به ساده‌بستی اهتمام داشتند و خود را خدمتگزار مردم می‌خواندند و توصیه اکید داشتند مسؤولان نظام سطح زندگی خود را با سطح عمومی جامعه تنظیم کنند. دیدگاه‌های تجمل‌گرایانه و دیوانسالارانه قطعاً نه اسلامی است و نه انقلابی و ترویج آن مخالف اهداف نظام جمهوری اسلامی است. بدیهی است تا وقتی دیدگاه حاکم بر دستگاه‌های مدیریتی بویژه دستگاه‌های اقتصادی مبتنی بر چنین گفتمانی باشد پرونده این نوع دریافت‌ها بسته نخواهد شد. اما دست آخر می‌خواهم به آقای نعمت‌زاده بگویم «باز هم دم شما گرم!» اینکه مدیری تکنوکرات باشد، پرداخت نجومی را مرسوم و رویه‌ای طبیعی بداند و از جنجال‌آفرینی بر سر آن هم ناراحت باشد و در عین حال در یک رفتار صادقانه اینها را به زبان بیاورد و اعتقادش را در لابه‌لای الفاظ مؤمنانه مخفی نکند، خودش دست‌میزاد دارد که قطعاً این بهتر از آن شخصی است که در تلویزیون بیاید چشم در می‌ریاند تا در این مدتی که بر صندلی دولتی تکیه زده‌اند سهم خود را از جیب مردم بردارند و در این راه «هر چه بیشتر، بهتر». این مدیران

نگاه

بعد از علنی شدن فیش‌های نجومی برخی مدیران دولتی و گزارش دادستان دیوان محاسبات کشور مبنی بر اینکه بیشترین سهم تخلفات در پرداخت‌های نامتعارف مربوط به وزارت صنعت، معدن و تجارت است، طبیعی است منتظر باشیم وزیر مربوط به میدان بیاید و پاسخگو باشد. نعمت‌زاده البته در جمع فعالان اقتصادی گفت «تیزی به این همه سر و صدا نیست، پرداخت این دستمزدها در دنیا مرسوم است».

مشخص نیست او در مقایسه با کدام کشورها و مدیران جهانی معتقد است اینگونه دست‌اندازی به بیت‌المال امری طبیعی است. هستند در دنیا شرکت‌ها و موسساتی که دستمزدهای هنگفتی را به برخی مدیران خود پرداخت می‌کنند اما نه از جیب مردم و با بودجه‌های دولتی؛ این شرکت‌ها خصوصی هستند. برخلاف آنچه امروز به مردم در توجیه حقوق‌های نجومی گفته می‌شود، در هیچ جای دنیا مدیران دولتی حتی در سطوح عالی دستمزدهای آنچنانی نمی‌گیرند و حقوق‌شان متعارف است و با توجه به سطح عمومی دستمزدها و وضع شاخص‌های اقتصادی پرداخت می‌شود. حتی این دریافت‌ها در کشورهایی که وضع اقتصادی خوبی دارند هم به این شکل مرسوم نیست. اما جناب وزیر؛ گفتنی است چنین موضعی از حضرت ایشان است که بی‌اغراق یکی از ثروتمندترین مدیران کشور هستند غیرمنتظره و عجیب به نظر نمی‌رسد. درک مشکلات اقتصادی و سطح معیشت مردم مستلزم «مثل مردم زندگی کردن است» و الا از نظر ایشان دریافت این حقوق‌ها امری است عادی و خشم و مطالبه مردم در قبال آن شلوغ‌کاری و آشوب است. البته این نوع نگاه مختص ایشان نیست و یک نگاه جمعی است که ریشه در تکنوکراسی و گفتمان دولت‌یازدهم دارد. خروجی چنین دیدگاهی این است که مدیران دولتی به جای اینکه خود را خدمتگزار مردم بدانند و سعی کنند گره از مشکلات کشور باز کنند، خود را تافته جدابافته‌ای می‌بینند که در مواجهه با بیت‌المال گوی سبقت از یکدیگر می‌ریزند تا در این مدتی که بر صندلی دولتی تکیه زده‌اند سهم خود را از جیب مردم بردارند و در این راه «هر چه بیشتر، بهتر». این مدیران

خبر

مسدود کردن رسانه‌ها و تلفن همراه در کشمیر

پس از کشته شدن ده‌ها تن از مردم کشمیر در درگیری با نیروهای امنیتی هند طی ۸ روز گذشته، حال دولت دهلی نو برای سانسور اخبار واصله از بحران در این منطقه استقلال طلب اقدام به مسدود کردن شبکه‌های کابلی تلویزیون و تلفن همراه در کشمیر کرده است. به گزارش تسنیم به نقل از روزنامه «گریتر کشمیر»، نیروهای امنیتی هند همچنین در حملات خود به دفاتر روزنامه‌های معتبر کشمیر، پس از کشف و ضبط اسناد و مدارک، این دفاتر را پلمب کرده‌اند. «گریتر کشمیر» یا «کشمیر بزرگ»، روزنامه معتبر انگلیسی‌زبان چاپ سرینگر در مطبوعی نوشت: «پلیس هند صبح شنبه گذشته به دفتر ما بورش آورد و بیش از ۵۰ هزار نسخه روزنامه را ضبط کرد، همچنین چاپ آن نیز متوقف شده است». پلیس هند همچنین دفاتر «رائزنگ کشمیر»، «کشمیر ایزرور»، «کشمیر مانیور» و سایر رسانه‌ها را نیز توقیف کرده است. این در حالی است که خدمات تلفن همراه و اینترنت پیش از این مسدود شده بود که در پی آن، مردم منطقه با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. به نوشته روزنامه کشمیری، دولت هند با توقیف رسانه‌ها حقایق حوادث کشمیر را پنهان می‌کند. این در حالی است که به دنبال درگیری‌های روزهای اخیر بیش از ۳۷ هزار نفر در انتظار درمان در بیمارستان‌های مختلف این منطقه هستند و آمار کشته‌شدگان به ۴۳ تن رسیده است. همچنین چشم‌های بیش از یکصد نفر از کشمیری‌ها با چاقو زخمی شده است که به گفته پزشکان دست‌کم ۵۰ زخمی بینایی خود را از دست داده‌اند. به گزارش اکسپرس نیوز، مردم در مناطق مختلف پاکستان، علیه خشونت نیروهای امنیتی هند در کشمیر با برگزاری تظاهراتی، پرچم این کشور را به آتش کشیدند. جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، سازمان ملل و جهان اسلام با محکوم کردن خشونت نیروی امنیتی هند علیه مردم کشمیر، از این حوادث ابراز نگرانی کرده‌اند و سازمان‌های دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل خواستار توقف کشتار مسلمانان در این منطقه شده‌اند.